## آینه

### اعتماد
**اعتراض به حاشیه‌سازان آیین ملی**

«توهین» کردند و «سوءاستفاده». در میدان بهارستان بسیاری آمده بودند تا شهدا را بدرقه و آنان را پاس بدارند. در میان این «بسیاری» که با چشم‌های گریان آمده بودند و دل‌های همراه، «اندکی» بودند که در مسیر خلاف اقیانوس ملت حرکت کردند. آنقدر امکانات داشتند که بنر و نشریه چاپ کنند. تجهیزات صوتی‌شان را از چندین ساعت پیش از مراسم به میدان بهارستان برسانند تا در کنار آنهایی که عزادار شهدای ۲۶ سال پیش بودند، سنگ هدف خودشان را به سینه بزنند. علیه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که دست‌اندازهای سال‌های گذشته را هموار می‌کند شعار دهند. حتی مداح سخنرانی بیاورند تا در کنار پیکر شهدا، به رئیس‌جمهور و رئیس مجلس توهین علنی کند. انبوه جمعیت بهترین موقعیت برای آنها بود تا مسیر انتقاد از مذاکره را آنجا جلو ببرند. سوءاستفاده‌شان آنقدر علنی بود که با واکنش مردم روبه‌رو شد. کسی از آنها استقبال نکرد اما دل خیلی‌ها گرفت. بسیاری دیروز واکنش نشان دادند و از مصادره به مطلوب سیاسی شهدا از سوی جناحی که این روزها هدفی جز تقابل با دولت و مذاکره‌کنندگان ندارد، ابراز تأسف کردند. مراسم باشکوه بدرقه شهدا که یک مراسم کاملا ملی بود از سوی آنهایی که این روزها خیابان را بهترین محل برای بیان اعتراضاتشان می‌دانند، تلاش کردند مصادره شود. هرچند که استقبالی از سوی عموم مردم از این کار نشد اما خاطره‌ای که می‌رفت تا خوش شود، هم ناخوش شد و هم به مردم نشان داد که گروهی در کشور هستند که نه از مراسم ارتحال حضرت امام می‌گذرند و نه از مراسم بدرقه شهدایی که با دست بسته برای این مردم جان داده بودند... .

### آفتاب
**ای کاش با شهدا کاسبی نمی‌کردند**

مراسم تشییع ۲۷۵ شهید بازگشته به وطن، روز سه‌شنبه حال‌وهوای دیگری به خیابان های پایتخت داد. مردم تهران از گوشه و کنار این کلان‌شهر، با وجود گرمای هوا خود را به میدان بهارستان رساندند تا شهدای غواص را به "بهشت" بدرقه کنند. در این میان، حضور گستره مردم در مهمانی شهدا، موردسوءاستفاده عده‌ای دلواپس قرار گرفت. آنان از طرق مختلف و پخش پلاکاردهایی، تلاش کردند با چسباندن دلواپسی‌های خود به حضور بی‌شمار مردم، مراسم تشییع شهدا را به نفع منویات خود مصادره کنند... .

### کیهان
**قاتل زنجیره‌ای توافقات!**

دو هفته دیگر تا پایان ضرب‌الاجل تعیین‌شده برای مذاکرات هسته‌ای باقی مانده است و به گفته منابع نزدیک به مذاکرات متن توافق مملو از پرانتزهایی است که پرکردن آنها در این فرصت اندک بعید به نظر می‌رسد. وقتی پای دبه‌های جدید آمریکایی‌ها به میان می‌آید، این تردید فزونی یافته و به سمت یقین میل می‌کند. اما بیایید فرض کنیم توافق جامع هسته‌ای منعقد می‌شود. چند روزی روزنامه‌های زنجیره‌ای پر می‌شوند از تیترهای پرطمطراق که فتح‌الفتوح و شق‌القمر و... شد! اما نباید فراموش کرد این توافق در خوشبینانه‌ترین حالت چیزی بیش از یک دهه به طول خواهد انجامید و با توجه به اخبار منتشرشده، بسیار بعید است که پس از طی این دوره برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران عادی شده و براساس ان‌پی‌تی باشد... .

### جوان
**فراتر از والیبال؛ «دیپلماسی عمومی» برای جاانداختن رابطه با آمریکا!**

این شرح مختصری است برای تهران‌گردی والیبالیست‌های آمریکایی. پذیرایی‌های خاص از مهمانان غربی در هفته‌های اخیر هم از جنس همین نوع دیپلماسی است. ما به پاسپورت ملت‌های غربی اعتبار و فضیلتی خاص و تام و تمام می‌بخشیم و آنها هم پاسپورت ما را البته مچاله می‌کنند. غرب‌زدگی و غرب‌پرستی، فقط نام کتاب جلال آل‌احمد نیست که او اگر این بدبختی را در خون گروهی از خواص و روشنفکران ما نمی‌دید، «غرب‌زدگی» را نمی‌نوشت و از «خدمت و خیانت روشنفکران» سخن نمی‌گفت. والیبالیست‌های آمریکایی را بردیم بالای برج میلاد تا تهران را ریز ببینند! آنها هم همان حرف‌های تکراری را زدند: «ما تصور دیگری از ایران داشتیم؛ کشوری بدون اینترنت، با خانه‌های کاهگلی، بدون خودرو و با شتر!» نه! آقای روشنفکری که پیش خودت فکر می‌کنی چقدر زرنگی که داری آمریکا را برای ما عادی می‌کنی. برای ملت ما آمریکا، والیبالیست‌هایش نیستند که فقط توی سر توپ می‌زنند، آمریکا برای ما نماد سیاستمدارانی است که ۷۰ سال است ملت ایران را به توپ کودتا، تجاوز و دشمنی بسته‌اند. در هشت سال جنگ تحمیلی به شهرهایمان توپ شلیک می‌کردند. در پایان جنگ هواپیمای مسافربری‌مان را با توپ زدند و حالا هم در مذاکرات هسته‌ای زیر توپ می‌زنند!

عکس: رنوفه رستمی، شرق

در گفت‌وگوی «شرق» با محمود سریع‌القلم بررسی شد

# جراحی روح ایرانی

زینب اسماعیلی‌سیویری

جواب هر پرسشی را از دو منظر می‌دهد؛ هم توسعه و هم روابط بین‌الملل و اساسا بنیادهای فکری‌اش برمبنای این دو حوزه گذاشته شده است. جامعه ایرانی را خوب می‌شناسد همان‌طور که جامعه جهانی و نظم جهانی را. همین بنیان‌ها موجب می‌شود که پاسخ پرسش‌ها را از مناظر مختلف بدهد. محمود سریع‌القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی است، اما حضور فعالی در مجامع بین‌المللی دارد. از جمله آنها حضور در نشست‌های متعدد داووس است. او توسعه در ایران را مستلزم داشتن عزم برای تغییر، حل‌وفصل برخی چالش‌ها و دستیابی به نتیجه واحد و آغاز تغییر می‌داند. اگرچه یادآوری می‌کند که برخی ویژگی‌های فرهنگی، انجام این تغییرات را در سطوحی سخت می‌کند. او برای توسعه، سیاست خارجی، انتقاد و مباحثی از این دست ۳۰ ویژگی برمی‌شمارد. کتاب‌های «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران»، «فرهنگ سیاسی ایران» و «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» ازجمله آثار اوست که بر بحث توسعه متمرکز است. او متولد ۱۳۳۸ در تهران است و در دوران مدیریت حسن روحانی بر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام با این مؤسسه ارتباط داشته. او داشتن نقش مشاور برای رئیس‌جمهوری فعلی را رد می‌کند و می‌گوید هیچ سمت دولتی‌ای ندارد. گفت‌وگو با محمود سریع‌القلم در روزی بهاری در دفتر روزنامه انجام شد.

**در مذاکرات کمپ‌دیوید که چندی پیش برگزار شد، برخی از کشورهای عرب با حضور مقامات ارشدشان و برخی در سطح سران، در کمپ‌دیوید حضور پیدا کردند. کارشناسان زیادی معتقدند اجلاس کمپ دیوید نتوانست به نتایجی که پیش‌بینی شده بود، برسد. فکر می‌کنید در شرایط فعلی گره منطقه در کجاست؟ سران عرب در کمپ دیوید چه چیزی می‌خواستند؟**

منطقه خاورمیانه در نظام بین‌الملل امروز، تنها منطقه‌ای است که حداقل همکاری و ائتلاف و نزدیکی منافع کشورها در آن مشاهده می‌شود. از نظر اقتصادی حداقل هم‌گرایی در این منطقه وجود دارد. از نظر سیاسی، سوءتفاهم و تضاد بنیادی بین کشورها در این منطقه وجود دارد. به لحاظ نظامی هم، کشورها استراتژی‌های مستقل ملی خودشان را دارند. همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، اما به اندازه‌ای نیست که کشورها را به هم نزدیک کند. براساس وضعیتی که بین کشورهای این منطقه وجود دارد، می‌توانیم بگوییم پرتضادترین منطقه در جهان، خاورمیانه است.

**علت این ناهماهنگی و تضاد چیست؟**

به لحاظ علمی و نظری، ریشه این تضاد در این است که هنوز در بسیاری از این کشورها فرایندهای کشور- ملت‌سازی تحقق پیدا نکرده یا ناقص است یا در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و مدت‌ها طول خواهدکشید تا اینکه کشورها به انسجام ملی و حل‌وفصل موضوع هویت در نهادهای اجتماعی‌شان برسند. ترکیه در مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه، به مبانی ملت‌سازی و کشورسازی از همه نزدیک‌تر است. هرچند ترکیه هم در حال تکامل و تعمیق کشور- ملت‌سازی در داخل است. در آسیا و آمریکای لاتین، اکثر کشورها از خود، جامعه و جهت‌گیری کشورشان، تعریفی دارند؛ مثلا در کشوری مانند کره‌جنوبی بالای ۹۰درصد مردم، اکثریت هیأت حاکمه، بخش خصوصی، سندیکاهای کارگری و جامعه روشنفکری، درباره تعریف‌شان از کره، اقتصاد، روابط‌خارجی و بنیان‌های قدرتمندشدن، به اجماع رسیده‌اند. به لحاظ نظری، به این، قرارداد اجتماعی می‌گوییم. وقتی‌در یک کشور قرارداد اجتماعی تحقق پیدا کرد، تضادهای درونی آن کم می‌شود و به‌طور طبیعی تضادهایش با محیط خارجی خود را هم به حداقل می‌رساند. عموم کشورهای آمریکای‌لاتین این وضعیت را دارند.

**درحال‌حاضر کدام کشور مناسب‌ترین وضعیت در بحث قرارداد اجتماعی را دارد؟**

پیشرفته‌ترین کشور در آمریکای‌لاتین از لحاظ قرارداد اجتماعی، شیلی است. مکزیک در ۲۰سال گذشته، رشد غیرقابل تصوری در ایجاد یک قرارداد اجتماعی داشته است و همین‌طور آرژانتین. وقتی قرارداد اجتماعی در داخل یک کشور شکل می‌گیرد، به همان تناسب تضادهای داخلی بسیار کم می‌شود و انرژی آن کشور صرف تولید قدرت می‌شود. هند و چین مدت‌هاست به این مرحله رسیده‌اند. ژاپن بیش از یک قرن است که این حالت را به خود گرفته است. اما در خاورمیانه، به ندرت قرارداد اجتماعی داریم. به ندرت دولتی داریم که ظرفیت آن را داشته باشد در چارچوب قرارداد اجتماعی مسائل خود را تعریف کند و منابع ملی را در چارچوب قرارداد اجتماعی به استخدام بگیرد. برای همین است که در خاورمیانه، ما این همه تضاد داریم؛ چراکه برای تحقق این مسئله، فرایندهای طولانی در پیش داریم؛ برای مثال، مصر باوجود اینکه کشور بسیار قدیمی و کهنی است، اما مصری‌ها درباره مواردی از این دست که از مصر چه تعریفی دارند و چگونه می‌خواهند ثروت تولید کنند و ماهیت روابط خارجی آنها چیست و جایگاه مفاهیمی کلیدی مانند دولت، دین، زمان، آینده، حقوق مردم یا بخش خصوصی کجاست، به تعریف‌های مشترک نرسیده‌اند. انسان هم همین‌گونه رشد می‌کند: هر انسانی که تعاریف دقیقی از مسائل داشته باشد، انسان متعادل‌تری است. برای همین، هرچقدر تعاریف ما، چه فردی و چه اجتماعی، کلی‌تر باشد، تضاد خواهیم داشت. هرچقدر جزئی‌تر باشد تضاد ما کمتر خواهد بود. شما اگر نصف روز با یک ژاپنی، معاشرت کنید، دقیقا می‌فهمید او چه رنگی را دوست دارد و تفریح برای او چه معنایی دارد، برای آینده خودش چه چارچوبی ترسیم کرده است و چه تناسبی بین خود، جامعه و کشورش وجود دارد. حتی اگر یک آدم معمولی باشد. چون او به این تعاریف رسیده است، در درون خود به یک صلح درونی رسیده است و در چارچوب آن تعاریف، زندگی می‌کند. در خاورمیانه به دلایل پیچیده تاریخی، ما انسان‌های کلی و دارای کشورهایی با تعاریف کلی هستیم. انسان‌ها و جوامعی که خیلی کلی حرف می‌زنند، در یک دایره بسته متوقف هستند. برای اینکه جامعه‌ای رشد کند، عموم مفاهیم باید وارد جزئیات شود. الان ما و عربستان ۳۰ سال است می‌گوییم باید روابط‌مان خوب باشد. بعد هم می‌گوییم صداقت و برادری داشته باشیم، همه مسلمان هستیم، اما بعدش تمام می‌شود! هیچ‌وقت نگفتیم مثلا دانشگاه‌های ما در چه مقطعی، چه رشته‌هایی، برای چه مدتی و با چه محتوایی می‌توانند تبادل دانشجو کنند. یا در کدام صنایع، می‌توانیم با همدیگر همکاری کنیم. ما روابط‌مان را «ریز» نکرده‌ایم. همیشه با تعارف و کلیات گذشته است؛ درحالی‌که اگر روابط آمریکا و ژاپن را مطالعه کنید؛ می‌فهمید چه جزئیاتی در رابطه‌شان وجود دارد. به‌هرحال می‌توانم این‌گونه جمع‌بندی کنم: به اعتقاد من خاورمیانه برای مدت‌ها بی‌ثبات خواهد بود. این گفته، دلایل علمی دارد. با اتفاقاتی که در آمریکا افتاده، بازیگران محلی و منطقه‌ای نقش مهم‌تری از بازیگران بین‌المللی خواهند داشت. این موضوع در سال‌های اخیر برای اولین‌بار است که رخ می‌دهد. رقابت صفر- یک بین بازیگران اصلی منطقه وجود دارد؛ یعنی ایران، ترکیه، مصر و عربستان که این، تضاد و تنش را تعمیق می‌بخشد و بیشتر می‌کند. روابط اقتصاد حداقلی بین این کشورها وجود دارد؛ حدود شش درصد. روابط اقتصادی تا زمانی‌که مسائل سیاسی و امنیتی بین این کشورها بهبود پیدا نکند، همچنان در حاشیه خواهد بود. این وضعیت را با آسیا و آمریکای لاتین مقایسه کنید که روابط اقتصادی آنها روزبه‌روز بیشتر به هم گره می‌خورد و قفل می‌شود. از آنجا که از نظر اقتصادی درحال قفل‌شدن به همدیگر هستند، مسائل سیاسی و امنیتی آنها هم، اصلاح و بهبود پیدا می‌کند. دراین‌بین، کشورهای خارجی هم دنبال منافع خودشان هستند: فروش اسلحه، دسترسی به نفت و گاز یا دسترسی به بازارهای مصرفی. احتمالا حضور مستقیم بازیگران بین‌المللی در منطقه کم‌رنگ‌تر شود و حضورشان غیرمستقیم خواهد بود و تضاد بین بازیگران منطقه‌ای افزایش پیدا خواهد کرد. اروپا درحال به دست‌آوردن سهم بیشتری در خاورمیانه است؛ هم اقتصادی و هم نظامی. روسیه همچنان در ورود و دخالت در منطقه، محتاط است و نقش سنتی دوره شوروی را دیگر ندارد، چراکه امکاناتش محدود است. همچنین اولویت‌های خود را جاهای دیگری، مانند چین تعریف کرده است. چین هم حضور خود را در خاورمیانه، صرفا اقتصادی، بانکی و مالی تعریف می‌کند.

**دوباره به سؤال اولم برمی‌گردم. کشورهای عربی در قبال توافق احتمالی هسته‌ای، دنبال چه چیزی هستند، یک تضمین یا چیز بیشتری می‌خواهند؟**

کشورهای عربی معتقدند افزایش قدرت ایران باعث کاهش جایگاه و نفوذ آنها در منطقه می‌شود. یعنی بازی سیاسی خود را با ایران با «حاصل‌جمع صفر» می‌دانند.

**با ایران دوره احمدی‌نژاد راحت‌تر بودند؟**

به نظر من فرقی نمی‌کند. آنها به‌ندرت قوه مجریه را در ایران مؤثر می‌بینند. همان‌گونه که غرب هم قدرت ایران را با قوه مجریه تعریف نمی‌کند، چراکه قوه مجریه را حداقل در مسائل منطقه‌ای، سیاست خارجی، امنیت ملی و هسته‌ای، نهاد تصمیم‌گیرنده نمی‌دانند.

**شاید بهتر است بگوییم تفکر احمدی‌نژادی؛ تفکری که توانست ایران را به هراس برای جهان تبدیل کند.**

اگر چنین سیاستی را پیش بگیریم؛ فاصله ما و همسایگان‌مان بیشتر خواهد شد. همه جای دنیا منطقه‌گرایی بر جهانی‌شدن اولویت پیدا کرده است، یعنی هر کشوری سعی می‌کند بهترین روابط را با همسایگان خودش داشته باشد. کشورهای منطقه آسه‌آن، آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین، به‌تدریج در حال برداشتن ویزا بین خودشان هستند. به این خاطر که می‌خواهند با ایجاد فضای کسب‌وکار اقتصادی، شرایط بهتر اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایجاد کنند. هنر یک کشور این است که قدرتش افزایش پیدا کند؛ اما دیگران از این افزایش قدرت، هراسی نداشته باشند. بهترین نمونه این رویکرد در دنیای امروز، آلمان است. آلمان بهترین موقعیت را در اتحادیه اروپا دارد. هر کشوری در اتحادیه اروپا که مشکل مالی داشته باشد، وارد صحنه شده و نجاتش می‌دهد. بسیاری از سیاست‌های اتحادیه اروپا در چارچوب منافع آلمان حرکت می‌کند. بدون اینکه آلمانی‌ها، مسئولان فراوانی در اتحادیه اروپا داشته باشند. این هنر سیاست است. وگرنه اگر قدرت انسان از یک تا ۱۰، نیم باشد؛ اما خود را ۲۰ نشان دهد، هنر نیست. هنر سیاست بستگی به این دارد که ما چه میزان اعتمادبه‌نفس و اعتماد ملی و داخلی داشته باشیم. ایران، شایسته این است که روزبه‌روز قدرتش در همه صحنه‌ها افزایش پیدا کند. اساسا افزایش قدرت ملی ایران، خیلی به ماهیت نظام سیاسی در ایران ارتباط ندارد. ایران فی‌الذاته باید قدرتش در همه صحنه‌ها افزایش پیدا کند. اما اگر این افزایش قدرت باعث شود که ما با همسایگان خود وارد یک جنگ‌سرد شویم، آنگاه معلوم است که در تاکتیک‌ها و روش‌هایمان ایراد وجود دارد. چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، عربستان یک کشور مهم منطقه است؛ به لحاظ سیاسی، نظامی، نفتی و اقتصادی. ما باید نهایت تلاش‌مان را بکنیم که با عربستان همکاری داشته باشیم و آنها از اینکه قدرت ما افزایش یابد، هراسی نداشته باشند. آنها احساس می‌کنند ما حاضر نیستیم شریک‌شان شویم. عربستان در محافل بین‌المللی خیلی می‌گوید بیاییم در مسائل منطقه‌ای با همدیگر شریک شویم. شما سیاست خارجی‌تان را چندجانبه‌گرایی کنید. حتی عربستان بارها این را گفته که حضور ایران در عراق، ضرورتی ژئوپلیتیک است اما اگر قرار باشد این حضور به ضرر دیگران باشد، خوب نیست. این حضور باید با همکاری دیگران باشد. بالاخره عراق و عربستان با همدیگر همسایه و عرب هستند و تاریخ مشترک هم دارند. حتی آنها تا آنجا پیش می‌روند که می‌گویند حضور ایران در سوریه و لبنان هم یک ضرورت ژئوپلیتیک است. اما اگر قرار باشد این یک بازی صفر- یک باشد و ایران با قدرت‌های منطقه‌ای همکاری نکند، آنها هم می‌روند و با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شریک می‌شوند و قدرت نظامی خودشان را روزبه‌روز افزایش می‌دهند. امارات و عربستان در سال ۲۰۱۴، ۹۶ میلیارد دلار اسلحه خریدند. ما باید در ایران یک تصمیم جدی بگیریم؛ باید دریابیم تا چه میزان می‌توانیم برای خودمان و برای اینکه قدرت‌مان را روزبه‌روز افزایش دهیم و حضور منطقی منطقه‌ای داشته باشیم، با دیگران همکاری کنیم؟

> **فرهنگ سیاسی ما ایرانی‌ها به روسیه خیلی نزدیک است. آنها خودشان را خیلی بزرگ می‌دانند. حس همکاری‌شان با دنیا کم است. شما چین و روسیه را با هم مقایسه کنید. چین می‌گوید من با دنیا همکاری می‌کنم، یاد می‌گیرم و خودم را حفظ می‌کنم. چینی‌ها هم خیلی مثل ما بودند و زمانی خودشان را مرکز ثقل جهان می‌دانستند. اما الان این‌گونه نیستند**

**شما معتقدید پیامی که تا اینجا به منطقه صادر شده، پیام صفر- یک است؟**

ما با دولت‌های منطقه، همکاری‌های جدی و پایداری نداشته‌ایم. البته از دیدگاه توسعه‌گرایان، من این را به فرهنگ ایرانی مرتبط می‌دانم. امیدوارم اشتباه کنم، ولی مطالعه و تحقیق و مشاهده، این را به من می‌گوید. حتی به‌لحاظ تاریخی، من از فرهنگ عمومی و رایج ایرانی این را می‌فهمم که ایرانی‌ها در سهیم‌شدن با همدیگر مشکل دارند. به‌نظر می‌رسد که لابه‌لای رفتارهای فرهنگی ما چنین ناخودآگاهی وجود دارد که اگر من با کسی همکاری کنم، از ابهت، شوکت، جایگاه و امنیتم کم می‌شود. بنابراین حس همکاری در ایرانی‌ها بسیار کم است. این را می‌توان در ساختمان‌ها، برج‌ها و بین نخبگان فکری مشاهده کرد. شما چند هزار کتاب در غرب می‌بینید که دو یا چند نفر با هم نوشته‌اند؟ اساسا آنها معتقدند کار فکری، یک کار جمعی است. اکثر تکست‌بوک‌ها یا کتاب‌های درسی در همه رشته‌ها- اعم از مهندسی، پزشکی، هنر و علوم انسانی- توسط چندین نفر نوشته شده است؛ اما ما این تفاهم را برای کار جمعی نداریم. اساسا توسعه یعنی سیستم و سیستم هم یعنی همکاری. این را در رانندگی و فعالیت‌های اجتماعی هم می‌بینید. یک دلیل که ما در ایران نمی‌توانیم حزب پایدار تشکیل دهیم؛ همین مسئله همکاری است. در تاریخ ایران می‌بینید که احزاب، شکل می‌گیرند و بعد، زود منشعب می‌شوند. دلیلش این است که مسائل را به صورت صفر و یک می‌بینند. ما به دیگران می‌گوییم یا شما حرف ما را قبول کنید یا اینکه بروید کنار؛ ما کار خودمان را می‌کنیم. در فرهنگ عمومی هم همین رفتار را می‌کنیم. فکر می‌کنم نداشتن حس همکاری و اینکه ما خود را معمولا خیلی بزرگ‌تر از آنچه هستیم، می‌بینیم؛ اجازه نمی‌دهد در سطح منطقه نیز همکاری کنیم. چهار سال پیش، وقتی ترکیه، سیاست‌های متفاوت با ما نسبت به سوریه اتخاذ کرد، بعضی از رسانه‌های ما الفاظ بسیار ناپسندی درباره سیاست خارجی ترکیه به کار بردند- آن‌هم ترکیه‌ای که خیلی با آن ارتباط داریم و آمارها نشان می‌دهد سال گذشته شش میلیون ایرانی به ترکیه رفته‌اند- به‌این‌دلیل که ما معتقدیم ترکیه هم باید مثل ما مسائل را ببیند. اگر نمی‌بیند حتما وابسته است، اشتباه می‌کند و خیلی القاب دیگر. این، تا حدودی ریشه فرهنگی دارد و به نحوه فکرکردن ما ایرانی‌ها ربط دارد. به‌نظر می‌رسد در فرهنگ عمومی ما، متفاوت‌بودن در افکار و باورها، امری نامعقول تلقی می‌شود. من درباره سیاست صحبت نمی‌کنم؛ بلکه مسائل اجتماعی و حتی در حیطه مسائل علمی و دانشگاهی ارجاع می‌دهم. به‌نظر می‌آید ما در صحنه عمومی با فضایی روبه‌رو می‌شویم که یکسان فکر کنیم و تلقیات ما از مسائل مشترک باشد. متفاوت‌بودن در فرهنگ عمومی ما خیلی پسندیده نیست. در بعضی کشورها، متفاوت‌بودن نوعی حق فردی است. ما با کشورهایی که مواضع متفاوت دارند بسیار سخت کار می‌کنیم. عرف جهانی این است که باید آن‌قدر صحبت کرد تا به تفاهم و اجماع رسید.

**اما شما می‌گویید سیاست خارجی در ایران، عرصه دولت‌ها نیست که تغییر دولت در آن تأثیر داشته باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که روی یک خط حرکت می‌کند؟**

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، از اول انقلاب تا به امروز، که ما پنج دولت را پشت‌سر گذاشته‌ایم، از ثبات بسیار بالایی برخوردار بوده است.

**بسیار خب. می‌خواهم این را در کنار بندی از صحبت‌های شما در جلسه یک‌ماه پیش مرکز تحقیقات نهاد ریاست‌جمهوری بگذارم که می‌گفتید کشورها برای توسعه به یک مدل دست پیدا کرده‌اند مبنی بر اینکه حاکمیت برای توسعه تصمیم می‌گیرد و بعد، مردم خودشان را همراه می‌کنند.**

حاکمیت‌ها مردم را همراه خودشان می‌کنند. تجربه و فکت‌ها این را به ما می‌گویند.

**اگر این دو نکته را در کنار هم بگذاریم، با توجه به فردگرایی منفی که در فرهنگ ایرانی وجود دارد، اصلا نمی‌توانیم این تجربه را در ایران عملی کنیم، آن‌هم با توجه به اینکه سیاست خارجی در ایران مدل پایداری دارد و با تغییر دولت‌ها تغییر نمی‌کند. آیا می‌توانیم این مدل توسعه‌ای را داشته باشیم که حاکمیت و کشورها بتوانند مردم‌شان را در یک تفکر توسعه‌ای با خود همراه کنند؟ چرا در این سال‌ها این کار را نکردیم؟ یا انجام دادیم و شکست خوردیم؟**

انسان یا سیستم‌ها، چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی و ملی، وقتی از کارهایشان جواب می‌گیرند که تمرکز داشته باشند؛ برای مثال اگر فردی بگوید من در ۱۵ جا مشاورم، و در حال گرفتن سه فوق‌لیسانس هستم و در شش شرکت هم کار می‌کنم، چه اتفاقی برای مغز او می‌افتد؛ مغزی که توجهش در ۳۰ جا پخش شده است. یکی از کارهای مهمی که انسان باید انجام دهد، خواندن بیوگرافی است. از پیکاسو بگیرید، تا انیشتین، کِندی، فارابی، سهروردی، مطهری، چرچیل و چارلز دیکنز، همه در زندگی تمرکز داشته‌اند. در ایران، توجه در حکمرانی خیلی پخش است. می‌خواهم از این اصل علمی برای بیان مطلبی استفاده کنم. ما انرژی قابل‌توجهی برای افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه گذاشته‌ایم. این حق ماست؛ اما این موضوع زمانی می‌تواند تداوم پیدا کند که انرژی حداقل مساوی را هم در داخل صرف کنیم. در جلسه مرکز تحقیقات عرض کردم، ما نمی‌توانیم بگوییم می‌خواهیم نفوذمان در منطقه پایدار باشد، اما ۱۹ هزارنفر در سال در جاده‌های ما کشته شوند. نرخ تورم ۳۰درصدی داشته باشیم و بخواهیم ژئوپلیتیک منطقه را تعیین کنیم؛ اینها با هم تناسب ندارند. الان به آلمان‌ها فشار می‌آورند که بودجه سیاست‌خارجی را پنج درصد زیاد کنید. می‌گویند علاقه‌ای نداریم؛ اولویت ما اقتصاد آلمان است. از سال ۲۰۰۸ به بعد که بحران مالی در دنیا بود، آلمان‌ها نه‌تنها مشکلی نداشتند، بلکه آنقدر پس‌انداز داشتند که بتوانند مشکلات یونان، پرتغال و اسپانیا را هم حل کنند، ضمن اینکه نرخ تورم‌شان را هم زیر دو درصد حفظ کردند، بالای ۲۰۰میلیارد یورو هم پس‌انداز دارند. تناسب بین قدرت داخلی و قدرت خارجی خیلی تعیین‌کننده است.

ادامه در صفحه ۷

## آینه دیروز

### شرق
- گزارش تحلیلی «شرق»- موج بازنشستگی استادان علوم‌انسانی- مشهورترین استادان بازنشسته- ۱- دکتر محمد مجتهدشبستری، استاد دانشکده الهیات ۲- دکتر حسنعلی درودیان، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۳- دکتر رضا رئیس توسی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۴- دکتر احمد ساعی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۵- دکتر سیدعلی آزمایش، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۶- دکتر عالم‌زاده، استاد دانشکده الهیات
- اعتراض به نقد دولت در مجلس؛ تعدادی از نمایندگان اصولگرا به نطق پیرمؤذن، عضو اصلاح‌طلب مجلس، اعتراض کردند

### اطلاعات
- وزیر نفت خبر داد: ابراز تمایل چین برای سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در صنعت نفت ایران؛ مذاکره برای صادرات صد میلیارد دلاری گاز LNG به چین طی مدت ۳۰ سال در دست انجام است
- بریتیش‌پترولیوم اعلام کرد: رشد چهاربرابری تولید گاز قطر نسبت به ایران
- به دلیل واگذاری سهام عدالت، بررسی لایحه خصوصی‌سازی متوقف شد

### اعتماد ملی
- حضور [سعید] مرتضوی و [جمال] کریمی‌راد در شورای حقوق‌بشر؛ وزیر دادگستری و دادستان عمومی و انقلاب تهران جهت شرکت در مراسم آغازبه‌کار شورای حقوق‌بشر جدید سازمان‌ملل امروز به ژنو سفر می‌کنند
- مدیرکل مبارزه با جرائم اقتصادی آگاهی ناجا: قاچاق هزارو ۸۰ میلیارد تومان سوخت از کشور
- تعدادی از بازداشت‌شدگان تجمع زنان آزاد شدند

### جمهوری اسلامی
- رئیس مجلس هم از گرانی‌ها انتقاد کرد؛ [غلامعلی حدادعادل با اشاره به] نامه ۵۰ نفر از استادان دانشگاه خطاب به رئیس‌جمهور درباره موقعیت اقتصادی کشور: باید به این نظرات احترام گذاشت و بدون پیش‌داوری آن را بررسی کرد
- وزیر بازرگانی: قیمت‌های جدید نان در دست بررسی است
- سمند ایرانی از مردادماه به ترکیه می‌رود
- قطر سال گذشته چهار برابر ایران از گاز پارس‌جنوبی برداشت کرد
- مورینیو: ایران جام‌جهانی را با مسابقات آسیایی اشتباه گرفته بود
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار با عبدالعزیز حکیم: آمریکا راهی جز واگذارکردن امور به مردم عراق ندارد

### اعتماد
- دیروز، پیش از دستور، توسط نمایندگان اقلیت بیان شد؛ نطق‌های آتشین علیه دولت- نماینده آبادان: عدم وجود سیاست‌گذاری منسجم اقتصادی و بی‌توجهی به نظرات کارشناسان اقتصادی و اساتید دانشگاه باعث بیداری غول تورم شده است- نماینده اردبیل: بستر رشد فرهنگ چاپلوسی، ریاکاری و فرصت‌طلبی فراهم شده است
- فرشاد مؤمنی: دولت تعریف خود را از عدالت اجتماعی مشخص کند
- مجمع هیچ مصوبه‌ای درخصوص سهام عدالت نداشت

### کیهان
- دری‌نجف‌آبادی: سازمان حسابرسی کل کشور به وظیفه قانونی خود عمل نمی‌کند؛ دادستان کل کشور از خودداری سازمان حسابرسی در ارائه گزارش تخلف‌های مالی به قوه‌قضائیه خبر داد
- با تصویب شورای پول و اعتبار؛ سود تسهیلات بانک‌های خصوصی به ۱۷درصد کاهش یافت
- شرط واردات ۱.۵ کیلو چای خارجی؛ خرید یک کیلو چای داخلی است
- قائم‌مقام شرکت توانیر: تابستان امسال خاموشی داریم
- از اول تیرماه، تعرفه واردات میوه تا ۴۵ درصد افزایش می‌یابد

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت ایران

آگهی مزایده شماره ۹۴۰۳

شرکت ملی مهندسی و ساختمانی نفت ایران در نظر دارد آهن آلات مازاد بر نیاز خود موجود در انبار مرکزی اصفهان و اراک، به مقدار ۵۳۰۰ تن تیرآهن بال پهن و میلگرد را در قالب ۶ پارتی از طریق سامانه مزایده الکترونیکی دولت به فروش برساند.
مزایده گران برای مشاهده اسناد و ارایه پیشنهاد از تاریخ ۹۴/۳/۳۰ به سامانه مزایده الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir/eauc مراجعه نموده و تا تاریخ ۹۴/۴/۶ اقدام نمایند.